

کاملاً طرف اعتماد و ایران خواه است، ثانیاً به واسطه زندگی و برشی که در کار دارد، ممکن است از وجودش استفاده نمود.»

▼ از روسای تا واشنگتن

اقدامات علاء در وزارت تجارت با نخست‌وزیری میرزا حسن خان وثوق الدوله پسر خاله دیگرش نیمه‌کاره ماند. وثوق الدوله که در صدد بود با امضای قرارداد ۱۹۱۹ در ازای تحت‌الحمایگی ایران همه امتیازات تجاری و معادن و امور صنعتی و عمرانی را به بریتانیا واگذار کند، صلاح را در این دید که برخی از کسانی که با او هم‌فکر بودند در جریان عقد قرارداد موی دماغ شوند به بهانه‌ای از ایران دور کند و هیئت به ریاست وزیر امور خارجه، علیقلی خان مشاور الممالک انصاری با عضویت محمدعلی فروغی ذکا‌الملک، سیدابوالقاسم‌خان انتظام‌الملک، رئیس کابینه وزارت خارجه، میرزا حسین‌خان معین‌الوزرا را عازم کنفرانس صلح ورسای کرد و آنان را بدون دستورالعمل و مواجب در پاریس رها کرد و خود در تهران مشغول مذاکرات مخفی قرارداد ۱۹۱۹ شد. تلاش این هیئت برای تعیین میزان خسارت واردآمده بر ایران از جنگ جهانی اول، به جایی نرسید و هیئت ایرانی تا پشت در اتاق کنفرانس بیشتر موفق نشدند خود را برسانند و آنان بدون اینکه به توفیقی دست یابند، به ایران بازگشتند. در این کنفرانس بار دیگر آمریکا از هیئت ایرانی حمایت کرد ولی بریتانیا که اعزام این هیئت را برخلاف مذاکرات در جریان قرارداد ۱۹۱۹ می‌دانست، اجازه حضور به آنان نداد. همدلی آمریکا با هیئت ایرانی بار دیگر بر روح حسین علاء جوان تأثیر گذاشت و او را به حسن نیت آمریکایی‌ها نسبت به ایران امیدوار کرد. پس از همین سفر بود که میرزا حسین‌خان معین‌الوزرا در دولت پسرخاله‌اش احمد قوام‌السلطنه در اردیبهشت ۱۳۰۲، به وزیر مختاری ایران در واشنگتن منصوب و عازم آمریکا شد. او که در این اموریت به پشتیبانی احمد قوام مستحضر بود، تلاش زیادی کرد تا پای آمریکایی‌ها را به ایران باز کند. او با پشتیبانی قوام براساس قراردادی با کمپانی استاندارد اوپل امتیاز پنج‌ساله استخراج نفت شمال ایران را به این شرکت واگذار کرد. مورگان شوستر واسطه این قرارداد بود و براساس آن، کمپانی استاندارد اوپل بنا بود در مقابل استخراج نفت منطقه شمال ایران موجباتی را فراهم آورد تا وامی ده میلیون دلاری به دولت ایران پرداخت شود. با وجود همه گفت‌وگوهای انجام‌شده، قرارداد مزبور سر نگرفت و علاء موفقیت چندانی نیافت. ولی او توانست گروهی از مستشاران مالی آمریکا را به سرپرستی آرتور میلیسیو، به استخدام دولت ایران درآورد و با این کار مناسبات و روابط آمریکایی‌ها را در ایران توسعه بخشد. میلیسیو اول آوریل ۱۳۰۱ در ایران کار خود را آغاز کرد. وظیفه او ریاست تشکیلات مالی مملکت ایران، تنظیم و نظارت بر امتیاز، اجازه عملیات تجاری و صنعتی بود. حسین علاء در این دوره ارتباطی و تعلق نزدیکی با آمریکایی‌ها پیدا کرد و پس از بازگشت به ایران، انجمن دوستی ایران و آمریکا را پایه گذاشت که خود منشی آن بود و رجال مهمی چون محمدعلی فروغی و سیدحسن تقی‌زاده و مستوفی‌الممالک عضو آن بودند و سردار سپه رضاخان نیز در مراسم‌های آن شرکت می‌جست و سفیر آمریکا در ایران و شخصیت‌های علمی‌ای چون آرتور پوپ با آن مرتبط بودند. علاء در این دوره به مهم‌ترین عامل مرتبط و پیگیر منافع آمریکا در ایران بدل شد و تلاش زیادی برای گسترش روابط دو کشور انجام داد. علاء در برهه تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی نماینده مجلس بود و جزو پنج نفری بود که با این اقدام مخالفت کرد و همراه سیدحسن تقی‌زاده جلسه‌ها را ترک کرد و در رای‌گیری شرکت نکرد. در مورد دلیل مخالفت علاء با تغییر سلطنت توضیح روشنی وجود ندارد چون او با رضاخان سردار سپه همراه بود و پس از آغاز سلطنت نیز به مدارج بالا دست یافت. برخی ارتباط نزدیک علاء با تقی‌زاده و تأثیرپذیری از او را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر سیاست آمریکا مبنی بر بی‌طرفی و عدم حمایت از شکل‌گیری دیکتاتوری رضاشاه توسط آمریکا را علت این رای دانسته‌اند اما هر چه بود علاء در سال‌های نخست سلطنت رضا شاه، بار دیگر حدود دو ماه وزارت فوائد و تجارت را برعهده داشت و در سال ۱۳۰۷ به‌عنوان وزیر مختار ایران در پاریس عازم فرانسه شد. او در این سمت توانست مدارک تحصیلی ایران را که تا آن زمان در کشور فرانسه به رسمیت شناخته نمی‌شد، ارتقا بخشد و با انجام مذاکراتی دولت فرانسه را اقناع کرد تمام گواهی‌نامه‌های ایرانی را به رسمیت بشناسد. علاء تا سال ۱۳۱۱ در فرانسه ماند. پس از بازگشت به ایران و در دی همان سال به همراه هیئت به ژنرفرود تا در مذاکرات مربوط به اختلاف میان دو کشور ایران و انگلیس بر سر لغو قرارداد داری در جامعه ملل شرکت کند. پس از مراجعت به تهران، به ریاست هیئت‌مدیره بانک ملی ایران منصوب شد.

▼ مهم‌ترین ماموریت زندگی

ریاست علاء بر هیئت‌مدیره بانک ملی ایران در شهریور ۱۳۱۳ با پایان رسید و به‌جای دوست صمیمی و نزدیکش سیدحسن تقی‌زاده، وزیر مختار ایران در لندن شد. او سه سال در این سمت ماند. در سال ۱۳۱۶ در کابینه محمود جم به سمت وزیر تجارت منصوب شد. در شهریور ۱۳۲۰، که متفقین با اشغال ایران، باعث برکناری رضاشاه شدند و پسرش، محمدرضا به تخت سلطنت نشست، در مهرماه همان سال حسین علاء به ریاست بانک ملی ایران برگزیده شد. در دی‌ماه سال بعد، که محمدعلی فروغی وزیر دربار محمد رضا پهلوی درگذشت، علاء جای او را گرفت و وزیر دربار شد. وزارت او در دربار حدود سه سال طول کشید و در سال ۱۳۲۴ سفیرکبیر ایران در واشنگتن شد. او تلاش زیادی کرد تا در دوران سفارت، حمایت دولت



حسین علاء
برخلاف پدرش
پرنس علاءالسلطنه
که آنکولوفیلی مهور
قدرت بریتانیا بود با
تجربه تحقیر ایران
در عرصه بین‌الملل
به شدت از بریتانیا
منزجر و منتفر بود
و با روس‌ها نیز سر
سازگاری نداشت؛
تنفر و ناسازگاری‌ای
که در گزارش‌های
دیپلماتیک مامورین
بریتانیایی نیز بازتاب
یافته است. او راه
را در یافتن متحدی
جز روسیه و بریتانیا
یافته بود؛ راهی که
بسیاری از رجال
میهن دوست دوره
قاجار و پهلوی
به دنبال آن بودند و
علاء نیروی سوم را
در قدرت نوظهور آن
سوی دریاها یافت:
اوتانازی یا ایالات
متحده آمریکا

آمریکا را در برابر اتحاد جماهیر شوروی، که در شمال ایران قدرت و نفوذی یافته بود، جلب کند. حضور علاء در آمریکا با توجه به روابط نزدیک او با سیاستمداران آمریکایی و آشنایی او با دهلیزهای قدرت در واشنگتن، واجد اهمیت بسیار بود و نقش مهمی در تلاش ایران برای پایان اشغال کشور پس از جنگ جهانی دوم داشت. شوروی در صدد بود با روی کار آوردن دولت‌های دست‌نشانده در شمال ایران نفوذ خود را حفظ کند و در چنین شرایطی رجال مهم ایرانی چون سیدحسن تقی‌زاده در لندن و انوشیروان سیهیدی در فرانسه و حسین علاء در آمریکا نمایندگان ایران در میان دول پیروز جنگ بودند که در کنار نخست‌وزیرانی چون ابراهیم حکیمی و احمد قوام، نجات‌کنشی ایران را برعهده داشتند. آنگونه که علاء در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات گفته است، مهم‌ترین بخش زندگی او نقشی بود که او در غائله آذربایجان ایفا کرد. سال‌ها بعد زمانی که علاء نخست‌وزیر بود، در مصاحبه‌ای در پاسخ به اینکه مهم‌ترین خاطره و بزرگترین افتخار او چیست؟ چنین پاسخ داد: «مهم‌ترین خاطره دوران سیاسی من شکایت به شورای امنیت و واگذاری دفاع از حقوق ایران به من بود. در آن موقع مسئولیت بس خطیر، در یک موقعیت حیاتی به عهده من گذاشته شده بود و من با اطلاع کامل از محدودرات دولت مرکزی، مجبور شدم به‌خاطر حفظ استقلال و تمامیت ارضی میهن عزیز از دستورات دولت مرکزی خارج... مشکل را به نفع میهن خود حل کنم و در نتیجه فشار روحی شدید ناشی از این ماموریت تا مدتی مریض و بستری بومدم و این خاطره هیچ‌وقت برای من فراموش نخواهد شد و آن را بزرگترین افتخار برای خود و خانواده‌ام می‌دانم.» ایران در دوره نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی شکایت از شوروی را در شورای امنیت سازمان ملل مطرح کرد و در نخستین جلسات این شورا در لندن سیدحسن تقی‌زاده مسئول طرح این شکایت شد و ادامه کار پس از انتقال مقر این سازمان به نیویورک به حسین علاء سپرده شد. علاء در روزهای آغازین سال ۱۳۲۵، در جلسه شورای امنیت حاضر شد و یادداشت اعتراض آمیزی را علیه شوروی‌ها قرائت کرد. در دومین جلسه رسیدگی به شکایت ایران، که ۵ فروردین ۱۳۲۵ تشکیل یافت، آندره و ویج گرومیکو، نماینده شوروی در شورای امنیت، به مذاکرات میان قوام و سفیر مسکو در تهران و امضای موافقت‌نامه‌ای بین دولت‌های ایران و شوروی اشاره کرد که مطابق آن نیروهای شوروی، ظرف پنج تا شش هفته، خاک ایران را تخلیه خواهند کرد. با وجود این، علاء از امضای چنین موافقت‌نامه‌ای اظهار بی‌اطلاعی کرد و به پیشنهاد نماینده آمریکا رسیدگی به شکایت ایران، به تعویق افتاد. سرانجام قوام و سادچیکف، ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ موافقت‌نامه‌ای را امضا کردند که براساس آن شوروی خاک ایران را ترک کرده و آذربایجان را مسئله داخلی دولت ایران خواهد دانست و در عوض نیز ایران امتیاز نفت شمال را به شوروی واگذار خواهد کرد. با امضای این موافقت‌نامه، نیروهای سی هزار نفری شوروی شروع به تخلیه خاک ایران کردند و به تدریج از نقاط شمالی کشور بیرون رفتند. از این‌رو قوام از علاء خواست که شکایت ایران را از شورای امنیت پس بگیرد. اما علاء از اجرای دستور نخست‌وزیر، خودداری کرد و استرداد شکایت را موکول به تخلیه کامل نیروهای روسی از ایران دانست. وی در جلسه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۵ در شورای امنیت اظهار داشت که قطعاً نمی‌تواند اعلام نماید که خاک ایران به کلی از نیروهای خارجی تخلیه شده است. نمایندگان دولت‌های آمریکا و انگلیس نیز با خارج شدن شکایت ایران از دستور کار شورای امنیت مخالفت کردند و از تصمیم علاء و بی‌توجهی او به دستور قوام، حمایت می‌کردند. علاء در جلسه شورای امنیت تأکید کرد که هنوز ارتش تحت امر پیشه‌شوری از ورود قوای دولت ایران به آن استان جلوگیری می‌کند. به دنبال سخنان وی، نماینده آمریکا نیز تقاضا کرد که شکایت ایران همچنان در دستور کار شورای امنیت باقی بماند. در همان جلسه رای‌گیری شد و تقاضای دولت آمریکا هم با اکثریت آرا به تصویب رسید. قوام نیز علاء را که به دستور او عمل نکرده بود، از نمایندگی دولت ایران در شورای امنیت برکنار ساخت. تقی‌زاده در خاطراتش می‌نویسد: «فیروز [معاون نخست‌وزیر] از طرف قوام به علاء تلگراف می‌کرد که کوتاه بیاید و از طرفی علیه علاء به روزنامه‌ها اظهاراتسی مخالف می‌کرد... مصلحت‌بینی من این شد که آقای علاء آن تلگراف طهران را نندید بگیرد و فردای آن روز به بحث خود مداومت بکند. او نیز چنین کرد و چنانچه معلوم است عاقبت به تقویت آمریکا و شورای ملل متحد و بیش از همه به وسیله مجاهدت مرحوم علاء، روس‌ها ایران را تخلیه کردند.» علاء اگر چه با پرنسپ و قانونمند بود اما موفقیت و اثرگذاری او زمانی بود که از دستور قوام - نخست‌وزیر وقت - سرپیچی کرد و خود به راه خویشتن رفت. متن نامه تند قوام اشکارا از جوی علاء پرده بر می‌دارد:

«واشنگتن - جناب آقای علاء، سفیر کبیر ایران

متن نامه جنابعالی به‌عنوان دبیرکل سازمان ملل در دلیلی‌نیز منطبعه طهران منتشر و در روابط ایران و شوروی تأثیر بسیار بد نموده است و جای تعجب است که با تجربه‌ای که باید در امور سیاسی داشته باشید، چرا برخلاف دستور و نظریات وزارت متبوع خود اظهاراتی نموده، دولت و شخص اینجنانب را در عسر و حرج می‌گذارید. من به جنابعالی تلگراف کرده بودم که هنوز قضیه آذربایجان خاتمه نیافته و ارتباط مستقیم با مامورین ندارید، هیئتی برای تحقیقات می‌فرستم پس از تحقیق، تخلیه آذربایجان را به جنابعالی اطلاع می‌دهم. جنابعالی هم لازم بود که فقط در زمینه همین دستور به شورای امنیت توضیح دهید. آنچه را علاوه بر دستور گفته یا نوشته باشید، در حکم این است که از طرف اینجنانب گفته

و مرا در محظوراً محذوراً بزرگ گذارده‌اید، زیرا اگر بگوییم نماینده دولت برخلاف امر دولت اقدام نموده قبول نمی‌کنند و اگر اظهارات جنابعالی را تصدیق کنم، با نظراتی که در حل مشکلات و رفع غائله آذربایجان دارم وفق نمی‌دهد و خود را به خدعه و تزویر معرفی نموده و «دوبل‌ژو» بازی نموده‌ام و از هدف خود که رفع مشکلات را با سبق گفتار در نظر دارم دور افتاده‌ام. این است که لازم می‌دانم فوری نامه‌ای را که به دبیر سازمان ملل نوشته‌اید پس بگیرید.»

شکایت ایران در شورای امنیت با موفقیت همراه شد و شوروی خاک ایران را تخلیه و غائله آذربایجان به اتمام رسید.

▼ وزارت امور خارجه و نخست‌وزیری

علاء نیز پس از بازگشت از واشنگتن ۵ اسفند ۱۳۲۸ در دولت محمد ساعد مراغه‌ای به‌جای علی اکبر سیاسی، به‌عنوان وزیر امور خارجه معرفی شد. علاء این سمت را در کابینه رجبعلی منصور نیز حفظ کرد. پس از منصور، حاج علی رزم‌آرا، در تیر ۱۳۲۹ نخست‌وزیر شد اما طولی نکشید که در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا در مسجد شاه تهران توسط خلیل طهماسبی، از اعضای جمعیت فدائیان اسلام، کشته شد و شاه حسین علاء را به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد. این دولت علاء که کوتاه‌مدت بود به کابینه محلل معروف شد. محمدرضا پهلوی در کتاب مأموریت برای وطنم، برای انتصاب علاء به سمت نخست‌وزیری دلایلی را برشمرده است. به نظر او علاء از جمله «سیاستمداران مورد احترام و دارای سابقه طولانی» و «طرف‌دار راه حل مسالمت‌آمیز» بود، که با انتصاب او بر این سمت می‌توانست «در عین ملی شدن صنعت نفت» پروژه «استخراج و بهره‌برداری» منابع نفتی را با کمک متخصصان خارجی عملی سازد اما علاء به سرعت از حل بحران ملی شدن صنعت نفت ناتوان شد و با استعفا جای خود را به محمد مصدق داد و خود به وزارت دربار بازگشت. او در وزارت دربار رابط دولت‌های خارجی و شاه بود و همین امر مصدق را به مخالف جدی او بدل کرد و در نهایت به عزل علاء منجر شد و علاء در جریان اوج‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از کار برکنار شد. هر چند برخی همچون یرواند ابراهامیان علاء را به دست داشتن در کودتا متهم کرده‌اند اما هیچ سندی در این زمینه وجود ندارد. با پیروزی کودتا علاء به وزارت دربار بازگشت و پس از فضل‌الله زاهدی نیز به نخست‌وزیری برگزیده شد و تا زمان مرگش که دوباره در مقام وزارت دربار بود، یکی از نزدیکترین و معتمدترین مشاوران محمدرضاشاه بود و قدرتی بی‌رقیب داشت. او نقش مهمی در گسترش حضور آمریکایی‌ها در سیاست و اقتصاد ایران ایفا کرد. در زمان او ایران به عضویت پیمان سنتو درآمد و به یکی از پایه‌های سیاست غرب و آمریکا در منطقه تبدیل شد.

دوران قدرت او منجر به نفوذ فوق‌العاده آمریکایی‌ها در ایران شد و راهی را که چهار دهه پیش آغاز کرده بود، به ثمر نشست و آمریکا به متحد نخست ایران بدل شد که به زعم علاء منجر به اقتدار ایران می‌شد؛ ایرانی که در عصر جوانی علاء مقهور قدرت روسیه و انگلیس بود، در پیرسالی به پشتیبانی قدرت آمریکا رو به ترقی و پیشرفت نهاد؛ هر چند استقلالش در امور سیاسی را از دست داده بود. این عدم استقلال در جریان عضویت ایران در پیمان سنتو خود را نشان داد. عراق و ترکیه نخستین کشورهایی بودند که در اسفند ۱۳۳۳ این پیمان را در بغداد امضا کردند. سپس در همان سال بریتانیا و پاکستان هم به آن پیمان پیوستند. چندی بعد شایع شد که دولت ایران هم به این پیمان خواهد پیوست. اولین بار مدیرکل امور خاورمیانه در وزارت امور خارجه انگلیس به این نکته اشاره کرد. اما عبدالله انتظام، وزیر امور خارجه کابینه علاء، گفته او را تکذیب کرد. با وجود این محمد علی چودری (بنگالی)، نخست‌وزیر پاکستان هم اعلام کرد که به‌زودی ایران وارد پیمان بغداد خواهد شد. این‌بار علاء قدم پیشش نهاد و با تکذیب خبر مزبور گفت که «ایران به پیمان بغداد نخواهد پیوست» ولی پس از مسافرت جلال بابار، رئیس‌جمهور وقت ترکیه در شهریور ۱۳۳۴ به ایران، دولت یکبارہ اعلام کرد که ایران ۱۲ آبان ۱۳۳۴ با وجود تکذیب‌ها رسماً به پیمان بغداد ملحق شده است. رجال ایرانی همچون علاء و سهیلی، سفیر ایران در لندن، انتظام وزیر امور خارجه و سپهبد هدایت، وزیر جنگ، همه با الحاق ایران به این پیمان به بهانه تحریک شوروی مخالف بودند اما فشار آمریکا و انگلیس به محمدرضا پهلوی باعث شد دولت ایران هم به عضویت آن درآید.

حسین علاء را مردی کم‌حرف و شوخ‌طبع توصیف کرده‌اند که قد کوتاهی داشت و سبک‌وزن بود و دفترچه مخصوصی داشت که همه چیز را در آن می‌نوشت. از دستور جلسات تا جملات قصار و حتی دستور طبخ غذا. استاد نوشتن پیمان‌نامه و متون دیپلماتیک بود و جزئی‌ترین امور دیپلماتیک را می‌دانست و رعایت می‌کرد. می‌گویند همیشه این سخن سعیدی را تکرار می‌کرد: «او چیز طبره عقل است: دم فرو بستن به‌وقت گفتن و لباس می‌پوشید و عادت داشت همیشه کراوات ببندد.

علاء که تا پایان عمر بلندش اقتداری روزافزون در سیاست ایران داشت در نهایت در سال ۱۳۴۳ درگذشت. او تا مدتی پیش از درگذشت، وزیر دربار بود و تسلط کاملی بر سیاست کشور داشت و در حلقه نزدیکترین مشاوران شاه بر همه امور مسلط بود. او دیپلماتی هوادار سیاست آمریکا بود که در مسیر خواسته خود موفق شد. او علاوه بر سیاست به فرهنگ و تمدن ایران نیز علاقه وافری داشت و تأسیس انجمن آثار ملی از جمله اقداماتی بود که با تأثیر و حضور او به وجود آمد. کتابخانه بزرگ شخصی داشت که بخش زیادی از عمرش را در آن می‌گذراند.

دیپلمات‌ها



همکاری سریلانکا با ایران

رئیس‌جمهور سریلانکا در حاشیه‌ی نمایشگاه اتحادیه کشورهای ساحلی اقیانوس هند (آیورا) بر گسترش همکاری‌ها با ایران در زمینه‌های مختلف تأکید کرد. نمایشگاه کشورهای عضو اتحادیه همکاری کشورهای ساحلی اقیانوس هند (آیورا) با شعار «حفظ پایدار اقیانوس هند برای نسل‌های آینده» دیروز یکشنبه ۲۰ اسفند در کلمبو برگزار شد. این نمایشگاه به مناسبت فرارسیدن دهم مارس (۲۰ اسفند) سالگرد تأسیس اتحادیه کشورهای ساحلی اقیانوس هند (آیورا)، با شرکت کشورهای عضو این اتحادیه برگزار شده است. رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و سایر مقامات سریلانکا نیز از این نمایشگاه بازدید کردند. سفارت جمهوری اسلامی ایران در کلمبونیز باهدف معرفی ظرفیت‌های صنعتی، اقتصادی و فرهنگی ایران در این نمایشگاه حضور فعالی داشت که مورد توجه ویژه رئیس‌جمهور سریلانکا قرار گرفت. رانیل ویکرمسینگه، رئیس‌جمهور سریلانکا و علی صبری، وزیر امور خارجه این کشور طی سخنانی بر اهمیت توسعه همکاری‌ها بین کشورهای این حوزه تأکید کردند.



گسترش روابط ایران و ارمنستان

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران عصر روز شنبه «واهان کوستانیان» معاون وزیر امور خارجه ارمنستان را در محل وزارت امور خارجه به حضور پذیرفت. در این دیدار حسین امیرعبداللهیان با یادآوری سفرش به این کشور و ملاقات‌ها و مذاکرات خوب خود با نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ارمنستان، بر اهمیت تداوم تلاش‌های مشترک بر تقویت و ارتقاء همکاری‌ها در عرصه‌های مختلف و متنوع سیاسی، اقتصادی، تجاری، علمی و فرهنگی تأکید کرد. رئیس‌دستگاه دیپلماسی کشورمان توسعه همه‌جانبه روابط همسایگی با کشور ارمنستان را به‌نفع دو کشور و در راستای صلح، ثبات و امنیت پایدار در منطقه به‌دور از مداخله کشورهای بیگانه دانست. واهان کوستانیان، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ارمنستان نیز با ابراز خرسندی از دیدارش با حسین امیرعبداللهیان و ابلاغ سلام‌های وزیر امور خارجه کشورش به همتای ایرانی، تأکید کرد که ارمنستان برای توسعه و گسترش روابط با ایران اهمیت ویژه‌ای قائل است و آن را برای ثبات و امنیت منطقه مؤثر و مفید می‌داند. معاون وزیر خارجه ارمنستان همچنین با ارائه گزارشی از گفت‌وگوهای خود با همتای ایرانی در چارچوب دور جدید رایزنی‌های سیاسی معاونین وزرای امور خارجه دو کشور، نتایج آن را مفید و ثمربخش ارزیابی کرد و از توافق طرفین برای تداوم و تقویت این رایزنی‌ها در سطوح مختلف خبر داد.



گفت‌وگوی تلفنی وزرای ایران و قطر

وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و قطر به‌صورت تلفنی گفت‌وگو کردند. در تماس تلفنی شیخ محمدبن عبدالرحمن بن جاسم آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر با حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آخرین تحولات دوجانبه و موضوع غزه و سایر تحولات منطقه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این تماس تلفنی، دو طرف در خصوص مناسبات دوجانبه ایران و قطر گفت‌وگو و بر ادامه روند رو به رشد روابط و پیگیری و اجرای توافقات رؤسای دو کشور تأکید کردند. در این گفت‌وگوی تلفنی، طرفین آخرین تحولات غزه و ابتکارات مطرح برای توقف نسل‌کشی و محاصره انسانی را مورد بررسی قرار داده و بر افزایش تلاش‌ها و تحرکات سیاسی تأکید کردند.